

مسئله هزینه‌ها در داوری‌های تجاری بین‌المللی

علی رضایی*

چکیده

حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی از طریق داوری مستلزم پرداخت هزینه‌هایی است که بدون صرف آن، انجام داوری امکان‌پذیر نیست. اگرچه در مقایسه با دادرسی قضائی، داوری اختلافات عموماً کم‌هزینه‌تر است؛ اما در برخی دعاوی، نظر به میزان خواسته و گستردگی اختلاف، چه بسا هزینه داوری چندین برابر دادرسی باشد. مهم آن است که رفع اختلاف از طریق این راهکار برای طرفین دارای توجیه اقتصادی باشد تا استفاده از این شیوه ترجیح داده شود. به همین منظور لازم است انواع هزینه‌های قابل مطالبه مشخص شده و نحوه محاسبه آن ضابطه‌مند گردد تا برای هر یک از طرفین اختلاف قابل پیش‌بینی باشد. در این پژوهش تلاش شده است ضمن بیان مفهوم و انواع هزینه‌های داوری، نحوه تسهیم هزینه‌ها بین طرفین اختلاف تبیین شده و به این سؤال مهم پاسخ داده شود که چنانچه یکی از طرفین اختلاف از پرداخت سهم خود از هزینه‌ها خودداری کند، سرنوشت داوری چه خواهد شد؟

واژه‌های کلیدی: حق الزحمه و مخارج، تسهیم هزینه‌ها، تضمین برای هزینه‌ها و عدم پرداخت هزینه‌ها.

۱. مقدمه

در حال حاضر، داوری تجاری بین‌المللی رایج‌ترین شیوه حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی است که شیوع آن را باید در مزایای آن در مقایسه با دادرسی قضائی جستجو کرد. یکی از این مزایا، کم هزینه بودن داوری است که به ویژه برای بازرگانان که به دنبال توجیه اقتصادی هر پدیده‌ای هستند، جذابیت بیشتری دارد؛ اما این مزیت در تمامی داوری‌ها وجود نداشته و در اختلافاتی که میزان خواسته بسیار زیاد است از جمله دعاوی سرمایه‌گذاری میان دولت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی، چه بسا مبلغ هزینه‌ها به مراتب بسیار بیشتر از رسیدگی قضائی توسط دادگاه‌های ملی باشد. از طرف دیگر چون داوری یک نظام خصوصی حل اختلاف است که تمامی هزینه‌های آن را باید طرفین اختلاف پرداخت کنند، در نتیجه برخلاف رسیدگی دادگاه‌های ملی، وجود ابهام در هر جنبه‌ای از هزینه‌ها می‌تواند منجر به کنار گذاشتن این راهکار گردد.

این مسائل موجب گردیده است تا موضوع هزینه‌ها در داوری تجاری بین‌المللی حساسیت بیشتری پیدا کند؛ تا جایی که یکی از وظایف مرجع داوری، منطقی کردن هزینه‌های داوری و یافتن راهکارهای کاهش آن عنوان شده است که این امر مستلزم مدیریت بهینه منابع و ضابطه‌مند نمودن فرایند داوری در تمامی زمینه‌هاست.

در این پژوهش تلاش شده است ضمن بیان کلیاتی راجع به مفهوم هزینه‌های داوری و مصادیق آن، اولاً این موضوع مشخص گردد که نحوه تسهیم هزینه‌ها بین طرفین به چه ترتیبی است؟ ثانیاً آیا خواننده می‌تواند از مرجع داوری یا دادگاه درخواست کند تا خواهان تأمین مناسب ارائه دهد تا چنانچه در دعوا پیروز نشود، هزینه‌هایی که به وی تحمیل شده است از محل تأمین پرداخت شود یا خیر؟ و ثالثاً چنانچه هر یک از طرفین نخواهد یا نتواند هزینه‌های داوری را پرداخت کند، سرانجام داوری چه خواهد شد؟

اگرچه تحقیقات متعددی در جنبه‌های مختلف داوری صورت پذیرفته است، اما بحث هزینه‌ها در ادبیات حقوقی داخلی آن‌گونه که باید مطرح نشده است. این مقاله درصدد است با بهره‌گیری از رویه سازمان‌های بین‌المللی داوری معتبر، قواعد و مقررات

داوری داخلی و تجاری ملی را با تأکید بر نحوه عملکرد سازمان‌های مهم داوری داخلی تبیین کرده و ضمن اشاره به نواقص موجود، به دنبال یافتن راه‌حل برای آن‌ها برآید.

۲. مفهوم، انواع، میزان و زمان پرداخت هزینه‌ها

قبل از پرداختن به مسائل مهم و چالشی، ضروری است تا کلیاتی راجع به هزینه‌های داوری تبیین شود. طی مباحثی جداگانه به این موضوع پرداخته شده است.

۲.۱. مفهوم هزینه‌های داوری و مصادیق آن

هزینه در لغت به معنای خرج و هر آنچه در ازای رسیدن به مطلوبی تحمل می‌شود یا از دست می‌رود آمده است (معین، ذیل واژه هزینه). داوری نیز به فرایندی اطلاق می‌شود که طرفین اختلاف به فرد یا افراد ثالثی اختیار و صلاحیت می‌بخشند که به اختلاف مورد نظر رسیدگی کرده و همانند قاضی، آن‌ها را فیصله داده و رأی لازم‌الاجرا صادر نمایند (شیروی، ۱۳۹۱: ۷). در معنای اصطلاحی، مقصود آن چیزی است که اشخاص برای حل و فصل اختلاف خود صرف می‌کنند. واقعیت آن است که هزینه‌ها انواع مختلفی دارند. گاهی هزینه‌ها، هزینه‌های اجتماعی است که موجب درگیر شدن نهادهای مختلف اجتماع می‌شود. هزینه‌ها گاهی رنگ سیاسی به خود می‌گیرند. در اختلافات تجاری بین‌المللی و اختلافات سرمایه‌گذاری بین دولت و سرمایه‌گذاران خارجی این نوع هزینه‌ها بعضاً قابل مشاهده است و موجب می‌گردد دولت‌ها از مسائل حاکمیتی خود جهت حل و فصل اختلاف هزینه نمایند. گاهی هم هزینه‌ها، هزینه‌های اقتصادی است (Franck, 2011:783). علاوه بر آن، هزینه‌های غیرمالی و معنوی هم می‌تواند وجود داشته باشد؛ یعنی درگیری فکری و روحی که برای هر یک از طرفین اختلاف حادث می‌شود و می‌تواند منجر به ناراحتی روحی و روانی آن‌ها و در نهایت موجب بروز آثار و پیامدهای ناگوار مالی و اقتصادی گردد. بدیهی است تمرکز ما در این پژوهش بر هزینه‌های مالی و پولی است که به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: هزینه‌های

رسیدگی و هزینه‌های طرفین. هزینه‌های رسیدگی شامل حق‌الزحمه داور یا داوران و هزینه‌های اداری موسسه داور و حق‌الزحمه کارشناسی است که توسط دیوان داور انتخاب شده است. هزینه‌های طرفین هم شامل هرآن چیزی است که طرفین برای آماده سازی و طرح اختلاف نزد مرجع داور می‌شوند (Buhler, 2004: 250).

با مشخص شدن مفهوم هزینه‌های داور، روشن می‌گردد که این هزینه‌ها می‌تواند مصادیق متعددی داشته باشد. در قواعد و مقررات داور تا حدود زیادی این هزینه‌ها مشخص شده است. برای مثال به موجب بند ۲ ماده ۴۰ قواعد داور آنسیترال (اصلاحی ۲۰۱۰)^۱: «اصطلاح «هزینه‌ها» فقط شامل موارد زیر است: (الف) حق‌الزحمه دیوان داور که برای هر یک از داوران باید به طور مجزا مشخص شود...؛ (ب) مخارج سفر و سایر هزینه‌های متعارف داوران؛ (پ) هزینه متعارف کارشناسی و هزینه سایر کمک‌های مورد نیاز دیوان داور؛ (ت) مخارج سفر و سایر هزینه‌های متعارف شهود به میزانی که دیوان داور قبول کند؛ (ث) هزینه‌های حقوقی و سایر هزینه‌هایی که طرفین در ارتباط با داور می‌تواند متحمل شده‌اند؛ تا حدی که تعداد آن به نظر دیوان داور متعارف باشد؛ (ج) حق‌الزحمه و مخارج مقام ناصب و نیز حق‌الزحمه و مخارج دبیرکل دیوان دائمی داور». به موجب بند الف ماده ۶۲ قواعد و آئین داور مرکز داور اتاق ایران، هزینه‌های داور، شامل حق‌الزحمه داوران و هزینه‌های اداری مرکز داور و همچنین شامل حق‌الزحمه و هزینه کارشناسی و مخارج متعارف حقوقی است که جریان داور ایجاب می‌کند. بند ۳ ماده ۳۵ قواعد داور مرکز منطقه‌ای داور تهران هم هزینه‌های داور را شامل حق‌الزحمه داوران و مخارج آنها، هزینه‌های اداری، حق‌الزحمه کارشناسان و همچنین هزینه‌های معقول حقوقی تحمیل شده بر طرفین دانسته است.

۲.۲. میزان هزینه‌ها

هزینه‌های داور بسته به مؤلفه‌هایی چون داخلی یا بین‌المللی بودن داور، موردی یا سازمانی بودن و همچنین نوع سازمان برگزارکننده داور متفاوت است. برای مثال، در

داوری‌های داخلی، به موجب آئین‌نامه حق‌الزحمه داوری - موضوع ماده ۴۹۸ قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور مدنی - حق‌الزحمه داوری برابر مقررات و در مهلت تعیین شده تا ۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال خواسته، پنج درصد و نسبت به مازاد از پنجاه میلیون ریال تا ۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال، سه درصد و مازاد بر آن، دو درصد خواسته خواهد بود؛ مگر اینکه در قرارداد داوری ترتیب دیگری مقرر شده باشد. حق‌الزحمه داوری در مواردی که خواسته مالی نیست و یا تعیین قیمت ممکن نیست برای هر داور پانصد هزار ریال و چنانچه کمیت یا کیفیت کار اقتضای حق‌الزحمه بیشتری داشته باشد طبق نظر دادگاه تعیین می‌شود (مواد ۱ و ۲). در قانون داوری تجاری بین‌المللی درباره نحوه پرداخت هزینه‌های داوری و یا تقسیم آن مقرره‌ای وجود ندارد. به طور کلی، در داوری‌های بین‌المللی، میزان هزینه‌ها بیشتر تابع میزان خواسته است که با توجه به ضوابطی که هر سازمان برای خود دارد محاسبه می‌گردد. میزان ساعاتی که داوران برای رسیدگی وقت گذاشته‌اند، تعداد داوران و پیچیدگی دعوا از دیگر معیارهای تأثیرگذار بر میزان هزینه‌ها است. جدول زیر می‌تواند شمایی کلی از میزان هزینه‌ها در چند سازمان داوری معتبر داخلی و بین‌المللی به دست دهد.

فرض کنید مبلغ مورد اختلاف، ۱۰ میلیون دلار آمریکا باشد^۲

هزینه‌های داوری - سه داور (حق‌الثبت، هزینه‌های اداری و حق‌الزحمه داور)	هزینه‌های داوری - داور منفرد (حق‌الثبت، هزینه‌های اداری و حق‌الزحمه داور)	سازمان داوری
	۱۱۶۲۱۳ دلار	مرکز داوری اتاق ایران
۱۱۹۳۶۰ دلار	۵۹۶۸۰ دلار	دیوان داوری تجاری بین‌المللی اتاق بازرگانی و صنعت فدراسیون روسیه (ICAC)

۲۰۴۸۵۰ دلار	۷۸۸۵۰ دلار	مرکز داوری بین‌المللی هنگ‌کنگ (HKIAC)
۲۶۳۱۰۳ دلار	۱۰۳۷۰۱ دلار	مرکز منطقه‌ای داوری تجاری بین‌المللی قاهره (CRCICA)
۲۶۳۶۶۱ دلار	۱۰۵۸۸۷ دلار	مرکز داوری بین‌المللی دبی (DIAC)
۱۱۱۶۰۰ دلار	۱۱۱۶۰۰ دلار	کمیسیون داوری اقتصادی و تجاری بین‌المللی چین (CIETAC)
۲۳۸۳۳۵ دلار	۱۱۰۴۵۴ دلار	مرکز داوری بین‌المللی وین (VIAC)
۳۰۱۶۰۷ دلار	۱۱۴۸۰۱ دلار	مرکز داوری بین‌المللی سنگاپور (SIAC)
۲۲۸۸۵۸ دلار	۱۲۲۳۰۵ دلار	موسسه داوری اتاق بازرگانی استکهلم (SCC)
۳۹۷۳۶۶ دلار	۱۷۰۷۹۹ دلار	دیوان بین‌المللی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی (ICC)
۴۱۷۷۸۷ دلار	۱۸۳۱۱۲ دلار	اتاق بازرگانی سوئیس (Swiss Chambers)

البته میزان سهم هر نوع هزینه از مجموع هزینه‌ها بسته به متغیرهای مختلف می‌تواند متفاوت باشد. برای مثال در تحقیقی که از پرونده‌های داوری مطرح شده در دیوان داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی به عمل آمده است، میزان توزیع هزینه‌های مختلف داوری بدین صورت بوده است: ۸۲ درصد از هزینه‌ها مربوط به هزینه‌هایی بوده است که جهت طرح ادعا لازم بوده است مثل هزینه وکلا و مشاورین حقوقی، هزینه شهود، کارشناس و ارائه دلایل. ۱۶ درصد از هزینه‌ها، به حق الزحمه داوران اختصاص یافته و ۲ درصد

باقیمانده صرف هزینه‌های اداری جهت مدیریت داوری‌ها شده است (ICC Techniques for Controlling Time and Costs in Arbitration, 2012: 537).

۲.۳. مراحل و زمان پرداخت هزینه‌ها

مراحل و زمان پرداخت هزینه‌ها در داوری‌های موردی بین‌المللی، معمولاً همانند روال و نرخ سازمان‌های داوری است؛ البته توافق طرفین با داور یا داوران در همه جنبه‌های هزینه‌ها مثل پیش‌پرداخت یا پرداخت به چه حساب بانکی، اصل و اساس کار است. به طور کلی تا میزانی از هزینه‌ها پرداخت نشود فرایند داوری شروع نمی‌شود. ابتدا بایستی مبلغی به عنوان پیش‌پرداخت پرداخت شده و سپس قبل از صدور رأی نهائی، هزینه داوری به طور کامل محاسبه و از طرفین وصول می‌شود. ماده ۵۸ قواعد و آئین داوری مرکز داوری اتاق ایران در این خصوص مقرر داشته است: «الف- مراجعه به مرکز داوری و استفاده از خدمات آن برای حل و فصل اختلافات، در هر مورد موکول به پرداخت هزینه‌هایی است که مطابق آئین‌نامه مربوط به نحوه ارائه خدمات در مورد هزینه‌های داوری و تعرفه آن در زمان طرح دعوی، محاسبه و دریافت می‌شود. ب - پس از وصول دادخواست داوری و هم‌زمان با تبادل لوایح اولیه طبق این آئین داوری، دبیرکل مرکز داوری، با توجه به مبلغ و نوع خواسته، هزینه‌های داوری را طبق تعرفه مندرج در آئین‌نامه هزینه‌ای داوری تعیین و به طرفین ابلاغ می‌کند و هم‌زمان از خواهان مطالبه نماید که ظرف مهلت ۱۵ روز، مبلغی را به عنوان پیش‌پرداخت هزینه‌ها به دبیرخانه مرکز بپردازد. مبلغ پیش‌پرداخت، که خواهان می‌پردازد، بابت سهم او از هزینه‌های قطعی داوری کسر خواهد شد. پ- مرکز داوری می‌تواند هزینه‌های داوری را، با توجه به تغییر مبلغ و نوع خواسته در طول داوری تعدیل کند...» بدیهی است ابلاغ رأی منوط به پرداخت هزینه‌ها است (بند الف ماده ۵۶ قواعد و آئین داوری مرکز داوری اتاق ایران).

در دیوان بین‌المللی داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی،^۳ رویه از این قرار است که خواهان بایستی هنگام ثبت درخواست داوری مبلغ ۲۵۰۰ دلار را به عنوان حق‌الثبت

بپردازد که این مبلغ قابل استرداد نیست. پس از آن تعیین میزان هزینه‌های داوری و وصول آن در دو مقطع صورت می‌گیرد: یکی در مرحله اول از رسیدگی که درخواست داوری تسلیم شده و مرجع داوری تشکیل می‌شود، تا زمان امضای «قرارنامه داوری»^۴. در این مقطع، دبیرخانه با توجه به محتوای درخواست اولیه و همان مقدار اطلاعاتی که در دست دارد، مبلغی را که عرفاً برای تأمین هزینه‌ها تا مقطع تنظیم و امضای قرارنامه داوری کافی باشد به عنوان «پیش‌پرداخت موقتی هزینه‌ها»^۵ تعیین می‌کند و به خواهان ابلاغ می‌نماید که آن را پرداخت کند. چنانچه خواهان این هزینه موقتی را نپردازد، رسیدگی متوقف می‌شود ولی مانع از این نیست که مجدداً دعوای خود را مطرح کند. مقطع دوم برای تعیین هزینه‌ها، هر زمانی پس از این مرحله است که دیوان عملاً بتواند هزینه‌های داوری را به نحو قطعی^۶ محاسبه و تعیین کند که معمولاً در پایان رسیدگی و هم‌زمان با صدور رأی، میزان هزینه‌ها و نحوه تسهیم آن‌ها مشخص می‌شود (مجیبی، ۱۳۷۸: ۸۷-۸۸).

۳. نحوه توزیع هزینه‌ها

یکی از مسائل مهم در خصوص هزینه‌های داوری، نحوه توزیع هزینه‌ها و تسهیم آن‌ها میان دو طرف است. در این بخش ضمن ارائه معیارهای تخصیص هزینه، به چند نمونه از آرای صادره و رویکرد عملی مراجع داوری به ویژه در داوری‌های سرمایه‌گذاری اشاره می‌گردد.

۳.۱. راهنماها

راهنماهای کلی نحوه ارزیابی و تخصیص کامل هزینه‌ها را ابتدا باید در قراردادها و توافقات طرفین و سپس در بسیاری و نه همه قواعد داوری، جستجو کرد.

۳.۱.۱. **توافقات:** دو طرف مختارند با توافق، خواه به صراحت در قرارداد اصلی و یا بخشی از موافقت‌نامه مستقل داوری، نحوه تخصیص هزینه‌ها را مشخص نمایند. مطابق گزارش‌ها و تجارب عملی معمولاً توافق طرفین بدین نحو است که هر یک از دو طرف هزینه‌های خود را متقبل می‌شود و هزینه‌های اداری بین آن‌ها تقسیم می‌شود. البته میزان

آزادی اراده در این خصوص تا حدودی به قواعد موسسه داوری و قانون ماهوی حاکم بر داوری بستگی دارد (Rosell, 2011: 115).

۳.۱.۲. قواعد داوری: قواعد داوری موردی و سازمانی معمولاً مؤلفه‌های تخصیص هزینه‌ها و صدور رأی پیرامون آن‌ها را مشخص می‌نمایند. قواعد اغلب چنین مقرر می‌دارند که در صورت فقدان توافق دو طرف، مرجع داوری صلاحیت اتخاذ تصمیم خواهد داشت. به موجب ماده ۴۲ قواعد داوری آنسیترال: «۱. هزینه‌های داوری علی‌الاصول بر عهده طرف یا طرف‌های محکوم‌علیه است. مع‌ذلک دیوان داوری می‌تواند هر بخش از هزینه‌های داوری را بین دو طرف تسهیم کند، مشروط بر آنکه تشخیص دهد تسهیم هزینه‌ها با در نظر گرفتن اوضاع و احوال پرونده، متعارف و معقول است. ۲. دیوان داوری باید ضمن رأی قطعی یا اگر مناسب تشخیص دهد ضمن رأی دیگری، تحت عنوان تصمیم دیوان در مورد تسهیم هزینه‌ها، مبلغی که هر طرف باید به طرف دیگر بپردازد، مشخص کند». ماده ۵۹ قواعد و آئین داوری مرکز داوری اتاق ایران در این خصوص مقرر داشته است: «جز در مواردی که طرفین طور دیگری توافق کرده‌اند، پرداخت هزینه‌های داوری در مرکز داوری (هزینه اداری و حق‌الزحمه داوران) به تساوی بر عهده خواهان و خوانده است...». بندهای ۱ و ۲ ماده ۳۵ قواعد داوری مرکز منطقه‌ای داوری تهران نیز همانند قواعد داوری آنسیترال مقرر داشته است: «۳۵-۱- دیوان داوری باید در رأی خود علاوه بر رسیدگی به ماهیت دعوی، هزینه‌های داوری را تعیین کند و در این مورد که کدام یکی از طرفین باید هزینه‌ها را بپردازد یا در مورد سهم هر طرف در پرداخت هزینه‌های داوری تصمیم‌گیری کند. ۳۵-۲- اصولاً پرداخت هزینه‌های داوری بر عهده طرف ناموفق خواهد بود. با این حال دیوان داوری می‌تواند چنین هزینه‌هایی را بین طرف‌ها تسهیم کند مشروط بر اینکه با در نظر گرفتن اوضاع و احوال قضیه این سهمیه‌بندی را معقول تشخیص دهد».

کنوانسیون ایکسید و قواعد داوری آن، قاعده‌ای راجع به هزینه‌ها ارائه نمی‌دهد. ماده ۶۱ (۲) این کنوانسیون مقرر می‌دارد: «جز در مواردی که طرفین خلاف آن را توافق

کرده‌اند، دیوان داوری در خصوص چگونگی تسهیم هزینه‌ها، حق‌الزحمه و مخارج دیوان داوری و هزینه‌های اداری که باید پرداخت شود باید تصمیم‌گیری نماید.^۷ به موجب قواعد داوری این مرکز، رئیس دیوان داوری می‌تواند با مشورت از طرفین، روش تخصیص هزینه‌ها را مشخص نماید.^۸ دیوان همچنین می‌تواند در هر مرحله از رسیدگی، در خصوص هر بخشی از فرایند رسیدگی، میزانی که هر یک از طرفین باید حق‌الزحمه و مخارج دیوان و مرکز ایکسید را پرداخت کنند مشخص کند؛ مگر آنکه طرفین خلاف آن را مقرر کرده باشند.^۹

۳.۲. معیارها

معیارها در نظام حل و فصل اختلافات بین‌المللی از منابعی چون معاهدات بین‌المللی، قوانین ملی، قواعد سازمانی و رویه‌های بین‌المللی نشأت می‌گیرند. ریشه معیارهای تخصیص هزینه را به طور خاص باید در حقوق رم، آمریکا و سوئد جستجو کرد. به طور کلی، سه قاعده و معیار در خصوص توزیع هزینه‌ها وجود دارد. اولین معیار که منشأ آن به حقوق رم بر می‌گردد، معیار «پرداخت توسط محکوم علیه»^{۱۰} است که با عنوان «هزینه‌ها تابع نتیجه است»^{۱۱} هم شناخته می‌شود. به موجب این معیار، محکوم‌علیه ملزم به پرداخت تمامی هزینه‌ها به محکوم‌له می‌گردد. بسیاری از نظام‌های حقوقی از جمله انگلستان این قاعده را هم در دادرسی قضائی و هم در داوری به کار می‌گیرند. از مهمترین دلایل استفاده از این معیار، جلوگیری از اقامه دعاوی واهی و اعاده وضعیت دو طرف به قبل از انجام اقدام خطاکارانه عنوان شده است؛ اما اینکه طرف برنده اختلاف کیست موضوعی چالشی و بحث برانگیز است. به عقیده برخی، چنانچه تمامی ادعای خواهان در داوری به اثبات نرسد، در این صورت خواننده را نیز باید به همان نسبت طرف حاکم اختلاف به حساب آورد و در نتیجه به همین نسبت هزینه‌ها بین خواهان و خواننده تقسیم می‌شود. کشورهای اتریش، آلمان، سوئد و سوئیس تابع این نظر هستند؛ اما در مقابل گفته شده است، صرف پیروز شدن خواهان در دعوا

کفایت کرده و ضرورتی ندارد تمامی آنچه ادعا شده مورد حکم قرار گیرد. در انگلیس از این نظر پیروی می‌شود (Buhler, 2004: 262-3).

دومین معیار، معیار «هرکس هزینه خودش را پردازد»^{۱۱} است که با عنوان «قاعده آمریکائی»^{۱۲} هم شناخته می‌شود و در کشورهای آمریکا، چین و ژاپن استفاده می‌شود. به موجب این معیار، هر یک از طرفهای هزینه‌های داوری خود و نیمی از هزینه‌های اداری و دیوان داوری را صرف‌نظر از نتیجه دعوا پرداخت می‌کند. البته این معیار استثنائاتی دارد و دادگاه در برخی شرایط از جمله وجود سوءنیت می‌تواند هزینه‌ها را به طرف دیگر تحمیل نماید. از دلایل توجیه‌کننده این قاعده مواردی است که نتیجه اختلاف مبهم است، جریمه کردن محکوم علیهی که با حسن نیت مبادرت به طرح دعوا نموده، منصفانه نیست. معیار سوم که منسوب به لارس و لامسون^{۱۳} سوئدی است و توسط دادگاه‌های سوئد بکار گرفته می‌شود، معیار «پرداخت به نسبت»^{۱۴} است که بر اساس آن، هر یک از طرفین بر مبنای میزان موفقیت در دعوا، هزینه‌ها را پرداخت می‌کند. در این روش، هزینه‌ها بر مبنای جدول قابل تطبیق با درآمدها و عواید توزیع می‌شود یعنی به نسبت ارزیابی خواسته توسط طرفین. مهم‌ترین دلیل توجیه‌کننده این معیار، تشویق طرفین به سنجش توازن بین میزان ادعا شده و میزانی است که احتمالاً بدان حکم داده می‌شود تا بدین ترتیب از صدور دعاوی واهی و بی‌مبنا جلوگیری شود (Kreindler, 2006: 2).

در انطباق یکی از معیارهای فوق بر نظام حقوقی ایران باید بین داوری‌های داخلی و داوری‌های تجاری بین‌المللی قائل به تمایز شویم. در داوری‌های داخلی، معیار «هرکس هزینه خودش را پردازد» بیشتر با ماده ۴۹۷ قانون آئین دادرسی مدنی همسو است؛ اما در داوری‌های تجاری بین‌المللی چنانچه داوری از نوع سازمانی باشد به قواعد آن سازمان رجوع می‌شود؛ اما در داوری‌های موردی، با استفاده از ملاک مواد ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳ و ۲۷ قانون داوری تجاری بین‌المللی مصوب ۱۳۷۶ که در صورت فقدان توافق طرفین، نظر مرجع داوری مبنا قرار می‌گیرد، آن مرجع با توجه به اوضاع و احوال حاکم بر دعوا، نحوه تسهیم هزینه‌ها را مشخص می‌نماید.

به هر ترتیب علی‌رغم وجود این معیارها، روش‌های چندگانه زیادی در خصوص تسهیم هزینه‌ها وجود دارد؛ به گونه‌ای که نمی‌توان از روشی واحد و مورد قبول سخن به میان آورد. از همین رو، این تنوع، بی‌تردید تشتت در تصمیم‌گیری‌ها و آرا را به همراه خواهد داشت و می‌تواند مشکلاتی را در برآورد هزینه‌ها ایجاد کرده و این انتظار را به دنبال داشته باشد که تصمیم‌گیری راجع به هزینه‌ها غیرقابل پیش‌بینی است.

۳.۳. رویه عملی توزیع هزینه‌ها در ایکسید

آرای صادره توسط دیوان داوری ایکسید در فاصله سالهای ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ حاکی از آن است که در ۴۷ اختلاف از مجموع ۶۷ اختلاف یعنی دو سوم از آرا، این دیوان چنین رأی داده است که هر یک از طرفین هزینه‌های قانونی خود و نصف هزینه‌های ایکسید شامل هزینه‌های دیوان داوری و دبیرکل را بپردازد. در ۲۰ پرونده باقیمانده نیز، یکی از طرفین به پرداخت سهم خود و سهم طرف دیگر و هزینه‌های ایکسید ملزم شده است. در شش پرونده هم ایکسید، محکوم‌علیه را به پرداخت هزینه‌های محکوم‌له و تمامی هزینه‌های ایکسید محکوم کرده است که نشان از توجه زیاد این مرکز به معیار «پرداخت توسط محکوم‌علیه» دارد. در واقع در این شش دعوا، دلایلی چون طرح نادرست ادعا (CDC v. Seychelles)^{۱۵}، سوءاستفاده از قواعد ایکسید جهت ایجاد صلاحیت برای این مرکز از طریق وانمود کردن اختلاف راجع به سرمایه‌گذاری (Phoenix Europe v. The Czech Republic)^{۱۶}، طرح ادعا به نحو متقلبانه (Europe Cement v. Turkey)^{۱۷}، ارائه ضعیف دفاعیات و اسناد و مدارک (Hungary Reed et al, 2010)^{۱۸} و آشکار بودن و فاحش بودن اقدام غلط (ADC v. Hungary)^{۱۹}، موجب تحمیل بار هزینه‌ها به محکوم‌علیه یا شخص متخلف گردیده است.

شایان ذکر است در تمامی دعاوی، مرکز ایکسید از قاعده «همه یا هیچ» استفاده نکرده است و در ۱۸ اختلاف هم دیوان هزینه‌ها را به نسبت میان طرفین تقسیم کرده

است. برای مثال در دعوی EDF v. Romania^{۲۰} که دولت رومانی حاکم شده بود، محکوم‌علیه به پرداخت تمامی هزینه‌های مرکز و محکوم‌له مجبور نشد، بلکه نظر به پیچیدگی دعوا و تصور رومانی در پاره‌ای موضوعات، دیوان داوری چنین رأی داد که خواهان و خوانده هر کدام به نسبت مساوی، هزینه‌های مرکز را پرداخت کنند و خواهان نیز ملزم به پرداخت تقریباً یک سوم هزینه‌های قانونی خوانده بالغ بر شش میلیون دلار از حدود هیجده میلیون دلار گردید (Smith, 2011: 752).

۴. تضمین برای هزینه‌ها

تضمین برای هزینه‌ها یا فراهم نمودن تأمین برای هزینه‌ها^{۲۱} دستوری است که به موجب آن خواهان باید وثیقه‌ای را ارائه دهد تا چنانچه در دعوا پیروز نشود، خوانده بتواند از محل آن، خسارات وارده از بابت هزینه‌های داوری را مطالبه نماید. شبیه این نهاد، تأمین دعوی واهی و تأمین اتباع بیگانه (موضوع مواد ۱۰۹ و ۱۴۴ قانون آئین دادرسی مدنی) است که به موجب آن خوانده می‌تواند از دادگاه درخواست نماید پیش از رسیدگی به دعوا، خواهان را ملزم به تأمین خساراتی کند که از بابت هزینه دادرسی و حق‌الوکاله وکیل، خواهان ممکن است محکوم شود (شمس، ۱۳۸۷: ۲۸). البته اختیار دادگاه یا مرجع داوری در این خصوص تحت عنوان کلی دستور موقت یا دادرسی فوری هم قابل بررسی است که در مواد ۳۱۰ به بعد قانون اخیرالذکر آمده است.

این موضوع در قواعد آئین دادرسی مدنی انگلیس (قاعده ۱۲-۲۵)، قانون داوری انگلیس مصوب ۱۹۹۶ (بخش ۳۸ (۳)) و قواعد داوری دیوان بین‌المللی داوری لندن (قاعده ۲۵ (۲)) هم پیش‌بینی شده است. ماده ۲۳(۱) قواعد داوری اتاق بازرگانی بین‌المللی هم این اختیار را برای دیوان داوری به رسمیت شناخته است. از ماده ۱۷ قانون نمونه داوری آنسیترا^{۲۲} مبنی بر دستور موقت نیز می‌توان این اختیار را استنباط نمود. البته برخلاف کشورهای دارای نظام حقوقی عرفی،^{۲۳} در کشورهای دارای حقوق نوشته^{۲۴} از جمله فرانسه، مقرره خاصی راجع به این موضوع وجود نداشته و تنها در موارد

محدودی از جمله موضوعات اداری و آن هم فقط علیه اتباع بیگانه این امکان پیش‌بینی شده است (Kirtley & Wietrzykowski, 2013: 19). این امر در داوری تجاری بین‌المللی هم مصداق دارد؛ به گونه‌ای که دیوان‌های داوری در نظام‌های حقوقی نوشته با اکراه بیشتری مبادرت به صدور قرار تضمین هزینه‌ها می‌کنند. در برخی کشورها نیز داور اساساً فاقد اختیار لازم برای صدور این اقدامات موقتی^{۲۵} است و در این خصوص باید از دادگاه درخواست کرد تا اقدام نماید. در پاره‌ای از آن‌ها هم تنها در صورتی که طرفین در این خصوص با یکدیگر توافق کرده باشند داور صلاحیت لازم برای صدور این دستور دارد. (نیکبخت، ۱۳۸۸: ۲۸۳).

با وجود این، صدور قرار یادشده منوط به وجود شرایطی است و این شرایط همواره از موضوعات بحث‌برانگیز داوری بوده است. با این حال، معیارهایی جهت پذیرش این درخواست وجود دارد که تا حدود زیادی به صلاح‌دید داوران واگذار شده است. عدم توانائی مالی خواهان و تأمین هزینه توسط ثالث یکی از مهمترین معیارهایی است که صدور چنین قراری را توجیه می‌کند.

در ایران، چون صلاحیت داور در صدور قرار تأمین خواسته و دستور موقت در قانون آئین دادرسی مدنی پیش‌بینی نشده است؛ اصولاً داوران خود را برای صدور این قرار صالح نمی‌دانند و زمانی هم که هر یک از طرفین جهت درخواست دستور موقت به دادگاه مراجعه می‌کند، دادگاه‌ها به استناد ماده ۳۱۱ ق.آ.د.م خود را صالح به رسیدگی نمی‌دانند، زیرا این ماده صلاحیت ذاتی رسیدگی به موضوع یاد شده را به این علت که اصل دعوا در دیوان داوری مطرح است در صلاحیت همان مرجع می‌داند. لذا گفته شده است «در صورت وجود موافقت‌نامه داوری و رجوع به داور، گرفتن قرار تأمین خواسته و دستور موقت در داوری داخلی، هم از دادگاه و هم از داور غیرممکن می‌شود» (شمس، ۱۳۸۷: ۵۴۵)؛ اما به نظر می‌رسد چون اختیار داور برای حل اختلاف و فصل خصومت شامل همه آنچه می‌شود که مأموریت داور با آن ملازمه دارد، از جمله صدور برخی قرارهای اعدادی و تأمینی مانند دستور موقت، در نتیجه می‌توان قائل به این بود که در

داوری‌های داخلی هم داور حق صدور قرار دستور موقت مبنی بر فراهم نمودن تأمین برای هزینه‌ها را داراست. در قوانین و قواعد دیگر داوری در ایران، از جمله قانون داوری تجاری بین‌المللی ایران (مواد ۹ و ۱۷)، همچنین دو سازمان داوری اصلی یعنی مرکز داوری اتاق ایران (بند «ت» ماده ۳۵) و مرکز منطقه‌ای داوری تهران (ماده ۲۳(۱))، اصل هم‌زمانی صلاحیت دادگاه و مرجع داوری در صدور چنین قرارهایی به رسمیت شناخته شده است و این عرصه را بر طرفین توافقنامه داوری باز گذاشته‌اند تا بتوانند درخواست خود را در دادگاه یا در دیوان داوری مطرح کنند (جنیدی و حق‌پرست، ۱۳۹۳: ۴۲۲). البته باید توجه داشت چون داوران فاقد قدرت اجرائی هستند و در عمل نمی‌توانند دستور موقت را اجرا کنند، طرفین باید در این زمینه به دادگاه‌های ملی مراجعه نمایند.

۵. عدم پرداخت هزینه‌ها

در رسیدگی قضائی، چنانچه شخص نتواند هزینه‌ها را پرداخت کند بسته به اینکه تاجر باشد یا غیرتاجر می‌تواند با اثبات ورشکستگی یا اعسار، به طور موقت از پرداخت هزینه‌ها معاف شود؛ اما این موضوع در داوری چندان روشن نیست. چنانچه یکی از طرفین نخواهد یا نتواند هزینه‌های داوری را پرداخت کند چه اتفاقی خواهد افتاد؟ قواعد و مقررات داوری تقریباً ضمانت اجرای عدم پرداخت هزینه‌ها را تعلیق یا ختم جریان داوری مقرر داشته‌اند. برای مثال، به موجب بند ۴ ماده ۴۳ قواعد داوری آنسیترال، «هرگاه سپرده‌های مقرر، ظرف ۳۰ روز پس از دریافت تقاضای دیوان به طور کامل پرداخت نشود، دیوان داوری مراتب را به دو طرف اطلاع خواهد داد که هر یک از طرف‌ها یا چند طرف می‌تواند مبلغ مقرر را بپردازد و چنانچه پرداخت نشود، دیوان می‌تواند دستوری مبنی بر تعلیق یا ختم جریان داوری صادر کند» (محبی و کاویار، ۱۳۹۳: ۶۸).

به موجب قاعده ۵۴ قواعد داوری انجمن داوری آمریکا، اگر هزینه‌های داور یا مخارج اداری کاملاً پرداخت نشود، انجمن می‌تواند ضمن اطلاع به دو طرف به یکی از

آن‌ها دستور دهد تا مبلغ را پیش‌پرداخت کند و در صورت امتناع، داور، داوری را معلق کرده یا بدان خاتمه می‌دهد. اگر هنوز داور انتخاب نشده باشد خود انجمن می‌تواند رسیدگی را متوقف نماید.^{۲۶}

به موجب این قاعده داور می‌تواند از یکی از دو طرف بخواهد هزینه طرف دیگر را پرداخت کند و اگر وی این کار را نکرد رسیدگی را متوقف می‌کند. دادگاه‌های ایالات متحده آمریکا در دعاوی مختلفی، این اختیار داور را به رسمیت شناخته‌اند.^{۲۷} در صورت پرداخت، داور باید در رأی نهایی نسبت به بازپرداخت این مبلغ به طرف پرداخت‌کننده تعیین تکلیف نماید. در رأیی که توسط شعبه نهم دادگاه سیار ایالات متحده آمریکا صادر شده است، عدم اشاره به این موضوع توسط داور از موجبات بطلان و اعتراض به رأی داوری شناخته شده است (Marinello, & Schwartz, 2012: 30).

قواعد و آئین داوری مرکز داوری اتاق ایران طی دو ماده ۵۹ و ۶۰، به این مسئله پرداخته است. به موجب این قواعد، چنانچه دو طرف از پرداخت هزینه‌های داوری ظرف مهلت مقرر امتناع ورزند، دبیرکل می‌تواند با مشورت داور رسیدگی را متوقف کند. در این صورت دبیرکل باید مهلتی که کمتر از ۱۵ روز نباشد برای پرداخت هزینه‌ها به طرفین بدهد. عدم پرداخت هزینه‌های داوری ظرف این مهلت به منزله استرداد دادخواست مربوط به دعوی اصلی یا متقابل است که برای آن هزینه مطالبه ولی پرداخت نشده است، بدون اینکه مانع از طرح دعوی اصلی یا متقابل طی دادخواست داوری جدید باشد. البته اگر هر یک از طرفین از پرداخت تمام یا قسمتی از سهم خود از هزینه‌های داوری خودداری کند، هر یک از طرف‌های دیگر می‌تواند به منظور جلوگیری از توقف رسیدگی، سهم طرف ممتنع را بپردازد.

تعلیق یا خاتمه جریان داوری در مواردی که یکی از طرفین، هزینه‌های طرف دیگر را پرداخت نمی‌کند همواره عادلانه نیست. در حل و فصل اختلافات تجاری بین‌المللی، چنانچه خواهان سهم خود از هزینه‌ها را نپردازد تعلیق داوری تا پرداخت و مختومه شدن آن پس از گذشت مهلت اعطایی، کاملاً منصفانه است؛ زیرا خواهان نباید مجاز باشد در

مواردی که توانایی پرداخت نداشته و یا اساساً قصد پرداخت ندارد دعوا را همچنان مفتوح نگاه داشته و وقت داور و طرف دیگر را بگیرد، آن هم برای فرایندی که خود آغازگر آن بوده است؛ اما چنانچه خواننده از پرداخت هزینه‌ها امتناع کند تعلیق یا ختم داوری می‌تواند غیرمنصفانه باشد؛ زیرا تعلیق یا ختم داوری همواره خواهان را که درصدد مطالبه خسارات است مجازات می‌کند. تعلیق یا ختم جریان داوری برای خواننده‌ای که از انجام تعهدات خود سرباز زده است پاداشی برای وی به حساب می‌آید. این امر به ویژه در مواردی که خواننده سوءنیت داشته و تعمداً تلاش می‌کند تا حق قراردادی خواهان مبنی بر ارجاع اختلاف را به داوری عقیم گذارد ملموس‌تر است؛ زیرا الزام خواهان به پرداخت سهم خواننده می‌تواند برای وی مشکلات مالی ایجاد نماید و چه بسا در داوری‌هایی که میزان اختلاف بسیار بالاست خواهان را با مشکل عدم پرداخت مواجه نماید. علاوه بر آن، تعلیق یا ختم داوری چه بسا خواهان را با مشکل عدم دسترسی به عدالت که یکی از اصول بنیادین حقوق بشر است مواجه نماید؛ به‌گونه‌ای که وی از مراجعه به مرجع رسیدگی محروم می‌گردد؛ زیرا با وجود موافقت‌نامه داوری، اصولاً دادگاه، دیگر صلاحیت رسیدگی به موضوع اختلاف را ندارد. شعبه نهم دادگاه سیار آمریکا در رأیی اظهار داشته است: «اگرچه این امر در صلاحیت داور است اما تعلیق یا ختم داوری در زمانی که خواهان از پرداخت سهم خواننده امتناع می‌کند راه‌حل مطلوبی نیست. در عوض، داور باید گزینه‌های دیگر را بررسی کند اما باید مراقب باشد از حدود اختیار خود فراتر نرود».^{۲۸}

برای حل این معضل راهکارهایی ارائه شده است. نخستین راهکار، ارجاع دو طرف به دادگاه است. یک راه‌حل آن است که امتناع خواننده از پرداخت سهم خود از هزینه‌ها را دلیل بر اعراض وی از رجوع به داوری تلقی کرد. لذا پس از آن داور باید داوری را خاتمه داده و خواهان را راهنمایی نماید تا دعوا را در دادگاه پیگیری نماید. بخش ۳ قانون داوری فدرال آمریکا در این خصوص مقرر می‌دارد: «دادگاه می‌تواند دستور اجبار طرفین به داوری را مادامی که شخص متقاضی از قواعد تخلف نکرده است صادر کند». در دعوای

Juiceme LLC به طرفیت Booster Juice LP دادگاه بخش فدرال چنین رأی داد که داور و نه دادگاه باید تعیین کند که آیا امتناع شخص از پرداخت هزینه‌های داوری، عدول از داوری به حساب می‌آید یا خیر؟^{۲۹} چنانچه داور این تخلف را احراز کرد، خواهان می‌تواند دعوای خود را در دادگاه پیگیری نماید. موضوعی که دقیقاً در دعوای Sink علیه Aden Enterprise, Inc اتفاق افتاد و داور چنین اظهار داشت که خواننده با عدم پرداخت، از قواعد تخلف کرده و لذا به داوری خاتمه داد. خواهان سپس دعوای خود را در دادگاه پیگیری کرد. پس از آن، خواننده حاضر به پرداخت هزینه‌ها شد و از دادگاه درخواست کرد تا طرفین را به داوری ارجاع دهد. دادگاه نهم سیار تصمیم دادگاه بدوی مبنی بر رد درخواست خواننده را با این استدلال که خواننده با نقض عهد قراردادی مبنی بر پرداخت هزینه‌ها از حق خود برای ارجاع اختلاف به داوری اعراض کرده است، تأیید کرد.^{۳۰}

این رویکرد اگرچه از حق خواهان جهت طرح ادعای خود بدون تحمل بار مالی حمایت می‌کند، اما راه‌حل مطلوبی نیست؛ زیرا به خواننده اجازه می‌دهد تا توافق طرفین در رجوع به داوری را عقیم کرده و مانع بهره‌برداری خواهان از مزایای داوری می‌گردد. راهکار دیگر آن است که از دادگاه اجبار شخص ممتنع از پرداخت هزینه‌ها درخواست گردد. البته این راه‌حل در تمامی موارد موفقیت‌آمیز نبوده است. مثلاً در یکی از دعوای^{۳۱} دادگاه چنین رأی داد که مبنایی برای اجبار طرف ممتنع وجود ندارد؛ زیرا قواعد داوری انجمن داوری به داور اختیار کامل می‌دهد تا نحوه تسهیم هزینه‌ها را تغییر داده و یا داوری را تعلیق کند؛ اما در مواردی که خواهان از لحاظ مالی قادر به پرداخت سهم هزینه‌های شخص ممتنع نبوده، آن را پذیرفته است. مثلاً در دعوای *Brady v. Williams Cap. Group*^{۳۲} کارفرما از پرداخت هزینه داوری ۴۰۰۰۰ دلار که توسط انجمن داوری آمریکا تعیین شده بود خودداری کرد و کارگر نیز توانایی پرداخت هزینه‌ها را نداشت. دادگاه پژوهش با این استدلال که تعلیق داوری موجب از بین رفتن حقوق

خوانده می‌شود، کارفرما را به پرداخت هزینه‌های داوری اجبار کرد (Bennett, 2013: 58).

راهکار دیگر ساده‌سازی فرایند داوری است. بدین نحو که طرفین در داوری باقی بمانند اما بر اساس منابع مالی موجود، جلسات استماع و رسیدگی برگزار گردد. برخی قواعد داوری چون قواعد داوری انجمن داوری آمریکا (قاعده ۳۲ (الف)) این اختیار را برای داور قائل شده‌اند تا به شرط آنکه داور فرصت کافی به هر یک از طرفین جهت ارائه مدارک و اسناد و بیان اظهارات و دفاعیات خویش بدهد، تشریفات رسیدگی را تغییر دهد. برای مثال، چنانچه هزینه‌های برگزاری دو روز داوری، ۶۰۰۰ دلار تخمین زده شود و خواهان ۳۰۰۰ دلار سهم خود را پرداخت کرده اما خوانده از پرداخت سهم خود یعنی ۳۰۰۰ دلار بقیه امتناع کند، داور می‌تواند با ۳۰۰۰ دلار پرداختی بجای دور روز داوری، یک روز داوری را برگزار کند و بجای آنکه به هر یک از طرفین یک روز کامل فرصت دهد تا ادعاها و دلایل خود را مطرح کنند می‌تواند به هر یک از آنها تنها نیمی از روز فرصت بدهد. این راه‌حل اگرچه اشکال راهکار سابق را ندارد اما چندان هم ایده آل نیست؛ زیرا ممکن است داور به این نتیجه رسد که انجام جلسه رسیدگی فشرده برای رسیدگی به اختلاف امکان‌پذیر نیست.

داور نمی‌تواند بدون دادن فرصت دفاع به خوانده علیه وی حکم صادر کند و حتی نمی‌تواند مانع حضور وی جهت دفاع از خود در جلسه داوری گردد؛ بنابراین جز در صورتی که موافقت‌نامه داوری صراحتاً چنین مقرر کرده باشد که شخص ممتنع از پرداخت هزینه‌ها حق حضور ندارد داور نمی‌تواند به این ضمانت اجرا متوسل شود. همچنین داور از این اختیار برخوردار نیست که مبادرت به صدور رأی علیه طرفی نماید که هزینه‌ها را پرداخت نکرده است (DeWitt, 2010).

ایجاد مسئولیت برای شخص ممتنع، راه‌حل دیگری است که از آن به عنوان مؤثرترین ضمانت اجرا یاد شده است؛ زیرا عدم پرداخت هزینه‌ها نوعی تخلف از قواعد داوری و ایفای تعهدات است که می‌تواند مسئولیت را برای شخص خاطی به همراه داشته

باشد. علاوه بر آن، دادگاه باید به گونه‌ای برخورد نماید که عدم پرداخت هزینه‌ها نتواند ابزاری موفق برای به شکست رساندن داوری باشد. (Eiseman & Farkas, 2015: 20).

در حقوق ایران، چون داور از محل هزینه‌ها داوری را اداره می‌کند نمی‌توان از مقررات اعسار جهت حل این معضل استفاده کرد. مراجعه ابتدائی به دادگاه هم به دلیل وجود موافقت‌نامه داوری که نافی صلاحیت دادگاه است امکان‌پذیر نیست؛ زیرا صرف عدم پرداخت هزینه اصولاً نمی‌تواند دلیل بر اعراض از موافقت‌نامه داوری قلمداد گردد. مسئله زمانی بغرنج‌تر می‌شود که یکی از طرفین حاضر به پرداخت سهم هزینه طرف ممتنع نمی‌شود و الا بر اساس بسیاری از قواعد داوری که در گذشته بدان اشاره شد، با پرداخت سهم شخص ممتنع توسط طرف مقابل، فرایند داوری به جریان افتاده و در نهایت مرجع داوری مبلغ پرداختی را در رأی ملحوظ می‌نماید. در داوری تجاری بین‌المللی رویه بر این امر مستقر گردیده است که تا هزینه‌ای پرداخت نشود داوری آغاز نمی‌گردد. در نتیجه تنها راه شروع داوری آن است که خواهان هزینه‌های لازم را پرداخت نموده و مقدمات داوری را فراهم نماید. از رویه داوری تجاری بین‌المللی نیز در داوری داخلی می‌توان بهره گرفت. حتی در داوری‌های موردی هم چنانچه دادگاه یا مقام ناصب در فرایند داوری مداخله کرده و از این حیث مبالغی هزینه شود خواهان می‌تواند با پرداخت هزینه‌های لازم، مقدمات شروع داوری را فراهم نموده تا چنانچه در دعوا پیروز شود، مرجع داوری هزینه‌ها را در رأی محاسبه و به نفع وی حکم نماید. پاره‌ای از قواعد داوری برای پیشگیری از این مشکل، پرداخت هزینه داوری را بر عهده خواهان قرار داده‌اند. برای مثال به موجب ماده ۳ آیین‌نامه نحوه دریافت هزینه‌های انجام داوری توسط شورای عالی فنی، «پرداخت هزینه داوری به عهده خواهان است. چنانچه نتیجه داوری به نفع خواهان باشد، هزینه داوری با پیش‌بینی در رأی صادر شده از خوانده دریافت می‌شود».

منتها مشکل زمانی حادث می‌شود که خواهان توانائی پرداخت هزینه‌ها را نداشته باشد و به دلیل وجود موافقت‌نامه داوری نیز رأساً نمی‌تواند به دادگاه مراجعه نماید. برای حل این معضل دو راهکار قابل ارائه است: یک راهکار، حل مسئله بر اساس قواعد عمومی قراردادها و شروط است. بدین نحو که چون رجوع به داوری بر اساس توافق صورت گرفته بین طرفین بوده است که به دو شکل موافقت‌نامه مستقل داوری یا شرط ضمن عقد اصلی تحقق یافته است، در نتیجه چون پرداخت هزینه‌های داوری هم از لوازم رجوع به داوری قلمداد می‌گردد که هر یک از طرفین متعهد به پرداخت سهم خود از هزینه‌ها است لذا چنانچه هزینه‌ها پرداخت نگردد، ایفای تعهد صورت نگرفته است و متعهد له می‌تواند به ضمانت اجراهای عدم ایفای تعهد متوسل شود؛ یعنی ابتدا الزام ممتنع را به پرداخت از دادگاه تقاضا کند و دادگاه می‌تواند در قالب دستور موقت نسبت به این امر اقدام کند. بدیهی است درخواست یکی از دو طرف از دادگاه جهت صدور دستور موقت، نمی‌تواند به منزله صرف‌نظر کردن از موافقت‌نامه داوری تلقی شود. اگرچه این موضوع در قانون آئین دادرسی مدنی منعکس نشده است، اما قانون داوری تجاری بین‌المللی در ماده ۹ این اختیار را برای دو طرف به رسمیت شناخته است تا از دادگاه صدور قرار تأمین و یا دستور موقت را درخواست کند. همین‌طور می‌توان به ماده (ت) ۳۵ قواعد داوری اتاق بازرگانی ایران اشاره کرد. به موجب این ماده: «مراجعه به محاکم دادگستری و درخواست دستور موقت در موارد استثنائی، قبل از داوری یا حین داوری به معنای عدول و نقض موافقت‌نامه داوری نیست». بند ۳ ماده ۲۳ قواعد داوری مرکز منطقه‌ای تهران نیز در این زمینه بیان می‌کند: «درخواست اقدامات موقت توسط هر یک از دو طرف از مراجع قضائی مغایر با توافق بر داوری، یا اعراض از آن توافق محسوب نخواهد شد» (جنیدی و حق‌پرست، ۱۳۹۳: ۴۲۰-۴۲۱). چنانچه این ضمانت اجرا نیز کارساز واقع نشد، ذینفع می‌تواند موافقت‌نامه داوری را فسخ نموده و دعوای خود را در دادگاه پیگیری نماید. این امر مانع از آن نخواهد بود که متضرر، خسارات وارده را از ممتنع از باب تسبیب مطالبه نماید؛^{۳۳} در رأی از دیوان عالی کشور که البته ناظر به ماده

۳۴۷۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی سابق است، دیوان مطالبه هزینه‌های داوری را بر عهده مسبب، پذیرفته است^{۳۵} (متین، ۱۳۸۱: ۱۱).

البته اثبات وجود این رابطه چندان آسان نیست. برای مثال، در اختلاف وزارت دفاع و بانک صادرات راجع به مطالبه هزینه‌های دادرسی مصروفه در آمریکا توسط بانک صادرات در ارتباط با ضمانت‌نامه بانکی صادره نسبت به قرارداد فی‌مابین سازمان ارتباطات و الکترونیک و شرکت تاج رأس، اداره حقوقی طی نظریه‌ای، ادعای بانک صادرات مبنی بر محکومیت وزارت دفاع به پرداخت هزینه‌های داوری را نپذیرفته است. در این اختلاف، بانک صادرات اعلام نموده است: با توجه به اینکه وزارت دفاع در اختلاف خود با شرکت تاج رأس به موجب رأی (الف ۱۶) دیوان داوری لایحه محکوم شده است و به موجب رأی مزبور ضمانت‌نامه‌های بانکی متفی و بلاثر اعلام گردیده است و از طرفی بانک در نیویورک و سایر موارد متحمل هزینه‌های چندی شده است و مسبب این خسارات، وزارت دفاع بوده است و آن وزارت در دعوی خود علیه شرکت تاج رأس محکوم گردیده است لذا به بانک ارتباطی نخواهد داشت که هزینه‌های ناشی از محکومیت وزارت دفاع را بپردازد. وزارت دفاع اظهار داشت: تأمین خواسته بانک با عنایت به دلایل ذیل امکان‌پذیر نیست: الف) بانک کارگزار ضمانت‌نامه به نفع وزارت دفاع صادر نموده بانک صادرات است و وزارت دفاع هیچ‌گونه رابطه قراردادی با بانک آمریکایی ندارد. ب) بانک صادرات مکلف بود در سال ۵۸ پس از اعلام وزارت دفاع مبلغ ضمانت‌نامه را پرداخت نماید. ج) تنها متعهد در برابر وزارت دفاع بانک صادرات بوده است و اخذ تضمین از بانک آمریکایی صرفاً برای حفظ منافع بانکی بوده است و نه ذینفع ضمانت‌نامه. اداره حقوقی هم در نظریه خویش بدین نتیجه رسیده است که: «(۱) وجود رابطه بین قرار صادره از دادگاه محلی آمریکا مبنی بر عدم پرداخت وجه ضمانت‌نامه توسط بانک کارگزار آمریکایی با قرار وزارت دفاع و شرکت تاج رأس مسلم است و در ضمانت‌نامه هم دقیقاً این رابطه پذیرفته شده زیرا ضمانت‌نامه معطوف به قرارداد به امضاء رسیده است لکن صرف وجود رابطه، مستلزم پرداخت خسارات بانک

در دعوی مطروحه در آمریکا توسط وزارت دفاع نیست؛ زیرا مطابق قانون مدنی، مسئولیت هنگامی بر عهده غیر مباشر است که اولاً رابطه سببیت با خسارت داشته ثانیاً اقوی از مباشر باشد. ۲) خسارات مورد مطالبه بانک ناشی از پیگیری متقابل بانک صادرات برای الزام بانک خارجی به پرداخت وجه ضمانت‌نامه بوده که تأمین آن توسط وزارت مستند ندارد و نظریه شماره م خ ۵ خ ۱۶۰/ مورخ ۱۳۶۱/۱۱/۲۰ دفتر خدمات حقوقی نیز تأکیدی بر این امر است. با توجه به مراتب فوق وزارت دفاع مسئولیتی در تأمین خسارت ناشی از هزینه‌های دادرسی مصروفه در آمریکا نداشته و بانک صادرات باید رأساً نسبت به تأمین و پرداخت آن اقدام نماید (مجموعه نظرات حقوقی اداره کل حقوقی سال ۱۳۶۸ ریاست جمهوری، ۱۳۷۵: ۳۷۲).

بدیهی است ملزم نمودن خواهان به مراجعه قبلی به دادگاه جهت تعیین تکلیف هزینه‌ها، مستلزم صرف زمان و هزینه و سایر مشکلات ناشی از یک دادرسی معمولی است و چه بسا ناکارآمدی داوری را افزایش دهد.

راهکار دیگر آن است که قید شرط داوری به عنوان امری برخلاف اصل آزادی دسترسی به دادگستری (دادگاه عمومی)، نباید چنان موسع تفسیر شود که موجب بن‌بست عدالت^{۳۶} یعنی محرومیت شخص ذی‌حق از ادامه روند رسیدگی شود. ملاک مواد ۴۶۳ و ۴۷۴ ق.آ.د.م نیز بر این امر دلالت دارد؛ چرا که نمی‌توان در فرضی که الزام ممتنع ممکن نیست یا ادامه داوری امکان ندارد، یک طرف را به صورت یک‌جانبه ملتزم به شرط داوری دانست و او را از تظلم‌خواهی منع نمود. در نتیجه وی می‌تواند با اعراض از موافقت‌نامه داوری، دعوی خود را در دادگاه دنبال نماید.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هزینه‌ها در داوری یک ریسک به شمار می‌رود. مبلغ برخی از خواسته‌ها به ویژه در داوری‌های سرمایه‌گذاری بسیار کلان است که به تبع آن هزینه حل و فصل اختلافات هم زیاد خواهد شد. چون رویکرد مراجع داوری در خصوص توزیع هزینه‌ها دقیقاً

مشخص نیست و دیوان‌های داوری در تسهیم هزینه‌ها خود را مکلف به مستدل کردن و توجیه آن نمی‌بینند، همین امر موجب تشتت آرا گردیده و موضوع هزینه‌ها را برای طرفین اختلاف غیرقابل پیش‌بینی نموده است. از آنجا که بازرگانان پیش از طرح دعوا به دنبال توجیه اقتصادی آن هستند، ضرورت دارد در موافقت‌نامه داوری تمامی جنبه‌های مختلف هزینه‌ها مشخص گردد. مرجع داوری هم در این خصوص نقش تعیین‌کننده‌ای دارد؛ چرا که این مرجع می‌تواند با مدیریت صحیح منابع و عمل بر طبق ضوابط، میزان هزینه‌ها را تا حدود زیادی کاهش داده و این مزیت را همچنان برای این راهکار حل و فصل اختلاف حفظ نماید.

جهت منطقی کردن هزینه‌ها و اقتصادی بودن آن‌ها، پیشنهادهای زیر می‌تواند مفید و سازنده باشد:

- ۱- هزینه‌ها به نحو دقیق در مراحل اولیه رسیدگی تعیین شوند تا طرفین با فراهم نمودن مقدمات لازم، آمادگی کافی برای طرح دعوا را داشته باشند.
- ۲- دیوان داوری تشویق شود تا با شفافیت هرچه تمام‌تر، هزینه‌ها را به یک ارز معتبر مثلاً دلار تعیین نماید.
- ۳- نحوه توزیع و تخصیص هزینه‌ها قاعده‌مند گردد؛ به گونه‌ای که میزان آن‌ها از قبل برای طرفین قابل پیش‌بینی باشد.
- ۴- جهت حذف یا کاهش ریسک ناشی از عدم پرداخت هزینه‌ها، از ابزارهایی چون بیمه استفاده گردد.
- ۵- نظام تعیین هزینه‌های داوری باید به گونه‌ای طراحی شود که اولاً مانع از این گردد که طرفین به ویژه خواننده به اقدامات تأخیری متوسل شوند یا ادعای گزاف و واهی مطرح نمایند، زیرا اگر یکی از طرف‌ها دعاوی متورم مطرح نماید مجبور است هزینه آن را بپردازد تا قابل رسیدگی باشد و الا مسترد شده محسوب می‌شود. دوم، محاسبه

و وصول هزینه‌های داوری ضابطه‌مند بوده و به دلخواه نباشد و نسبت به همه طرف‌ها به صورت مساوی عمل شود. سوم، هزینه‌ها باید قابل تعیین باشند؛ به گونه‌ای که طرفین بتوانند از قبل با مراجعه به جدول هزینه‌ها، ارزیابی کنند که مراجعه به داوری چه مقدار هزینه و مخارج دربر خواهد داشت. چهارم، ساز و کار پرداخت هزینه‌ها به گونه‌ای باشد تا طرفین و داوران در موقعیت سخت چانه‌زنی یا محظورهای اخلاقی قرار نگیرند.

خلاصه آنکه، بهترین راه‌حل جهت بروز مشکلات ناشی از هزینه‌ها، تنظیم دقیق موافقت‌نامه داوری و پیش‌بینی تمامی فروض مختلف و بیان ضمانت اجرای دقیق و مؤثر است.

پی‌نوشت‌ها

¹. UNCITRAL Arbitration Rules (as revised in 2010).

². داده‌های جدول با لحاظ تغییرات از مقاله زیر گرفته شده است:

Flannery, Louis & Garel, Benjamin, **Arbitration costs compared: the sequel**, Global Arbitration Review, 15 January 2013, p. 14.

³. International Court of Arbitration of ICC

⁴. Terms of Reference

⁵. Provisional Advance on Costs

⁶. Fixing the Costs

⁷. ICSID Arbitration Rule 20(1)(f)

⁸. ICSID Arbitration Rule 28(1)

⁹. “Loser Pays”

¹⁰. “costs follow the event”

¹¹. “Pay Your Own Way”

¹². “U.S. rule”

¹³. Lares Welamson

- ^{۱۴}. Allocation Pro Rata
- ^{۱۵}. CDC Group plc v. Republic of the Seychelles, ICSID Case No. ARB/02/14, Decision of the Ad Hoc Committee on the Application for Annulment of the Republic of the Seychelles, (June 29, 2005).
- ^{۱۶}. Phoenix Action, Ltd. v. The Czech Republic, ICSID Case No. ARB/06/5, Award, (Apr. 15, 2009).
- ^{۱۷}. Europe Cement Investment & Trade S.A. v. Republic of Turkey, ICSID Case No. RB (AF)/07/2, Award, (Aug. 13, 2009).
- ^{۱۸}. Telenor Mobile Communications A.S. v. The Republic of Hungary, ICSID Case No. ARB/04/15, Award, (Sept. 13, 2006).
- ^{۱۹}. ADC Affiliate Ltd. and ADC & ADMC Mgmt. Ltd. v. The Republic of Hungary, ICSID Case No. ARB/03/16, Award, (Oct. 2, 2006).
- ^{۲۰}. EDF (Services) Ltd. v. Romania, ICSID Case No. ARB/05/13, Award, para. 327 (Oct. 8, 2009).
- ^{۲۱}. Security for Costs
- ^{۲۲}. UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration, 1985.
- ^{۲۳}. Common Law
- ^{۲۴}. Civil Law
- ^{۲۵}. Interim Measure; Interim Award; Provisional Award
- ^{۲۶}. American Arbitration Association (AAA), Commercial Arbitration Rules, Rule 54.
- ^{۲۷}. Dealer Computer Service, Inc. v. Old Colony Motors, Inc, 558 F.3d 884, 887-88 (5th Cir. 2009); Lifescan, Inc. v. Premier Diabetic Service, Inc., 363 F. 3d 1010, 1012-13 (9th Cir. 2004); accord Williams v. Tully, No. C-02-05687, 2005 WL 645943, at 6-7 (N.D. Cal. Mar. 18, 2005).
- ^{۲۸}. Lifescan, Inc. v. Premier Diabetic Service, Inc., 363 F.3d, at 1013.
- ^{۲۹}. Juiceme LLC v. Booster Juice LP, 730 F. Supp. 2 d 1276, 1283 (D. Or.2010)
- ^{۳۰}. Sink v. Aden Enterprises, Inc., 352 f.3d 1197, 1199 (9th Cir. 2003)
- ^{۳۱}. Dealer Computer Services, Inc. v. Old Colony Motors, Inc. 588 F.3d 887 (5th Cir. 2009)

^{۳۳}. Brady v. Williams Cap. Group, L.P., 64 A.D.3d 127 (N.Y. App. Div. 2009).

^{۳۳} مواد ۲۳۷ تا ۲۳۹ قانون مدنی.

^{۳۴} ماده ۷۱۲ «مدعی حق دارد در ضمن دادخواست یا در اثناء دادرسی جبران خسارتی که به سبب دادرسی یا به جهت تأخیر ادا دین یا انجام تعهد و یا تسلیم خواسته به او وارد شده و یا خواهد شد از طرف دعوی بخواهد و نیز مدعی‌علیه می‌تواند خساراتی که به سبب دادرسی به او وارد شده است قبل از اعلام ختم دادرسی از مدعی مطالبه نماید در این صورت دادگاه ضمن حکم راجع به اصل دعوی یا به موجب حکم علیحده محکوم‌علیه را به تأدیه خسارت ملزم خواهد نمود مگر در صورتی که قرارداد خاصی راجع به خسارت بین طرفین منعقد شده باشد که در این صورت مطابق قرارداد رفتار خواهد شد.»

^{۳۵} حکم شماره ۱۳۲۱-۱۳۲۶/۸/۱۲ شعبه ۱ دیوان عالی کشور: «عبارت ذیل ماده ۷۱۲ قانون آئین دادرسی مدنی ناظر است به وجود قرارداد راجع به خسارت هزینه میان دو طرف که در این صورت مطابق آن رفتار خواهد شد و شامل موردی که دعوی به داوری ارجاع شده و داور نسبت به خسارت که جمعاً مورد دعوی بوده رأی نداده است نمی‌شود.»

^{۳۶}. Denial of Justice

منابع

الف. فارسی

- آئین نامه حق الزحمه داوری «تاریخ تصویب: ۱۳۸۰/۹/۲۰» «تاریخ انتشار: روزنامه رسمی شماره ۱۶۵۶۳-۱۵/۱۰/۱۳۸۰» مصوب رئیس قوه قضائیه.
- جنیدی، لعیان و حق پرست، رضا (۱۳۹۳)، «خلاهای قانون آئین دادرسی مدنی در صدور قرار دستور موقت از جانب داور»، *مجله حقوق خصوصی*، دوره ۱۱، شماره ۲، صفحات ۴۱۱-۴۳۵.
- شمس، عبدالله (۱۳۸۷)، *آئین دادرسی مدنی*، دوره پیشرفته، جلد سوم، تهران: انتشارات دراک.
- شیروی، عبدالحسین (۱۳۹۱)، *داوری تجاری بین المللی*، تهران: سمت.
- محبی، محسن (۱۳۷۸)، «نظام داوری اتاق بازرگانی بین المللی»، *مجله حقوقی*، نشریه دفتر خدمات حقوقی بین المللی جمهوری اسلامی ایران، شماره ۲۴، صفحات ۲۹-۱۰۴.
- محبی، محسن و کاویار، حسین (۱۳۹۳)، *مجموعه مقررات جدید آنستیرال درباره داوری بین المللی*، تهران: خرسند.
- قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹
- قانون داوری تجاری بین المللی ایران مصوب ۱۳۷۶
- قانون مدنی
- «قواعد داوری مرکز داوری منطقه‌ای تهران» (۱۳۸۶)، *مجله حقوقی*، نشریه مرکز امور حقوقی بین المللی معاونت حقوقی و امور مجلس ریاست جمهوری، شماره ۳۶، صفحات ۳۲۹-۳۵۶.
- «قواعد و آیین داوری مرکز داوری اتاق ایران» (۱۳۹۰)، *مجموعه مقالات همایش صدمین سال تأسیس نهاد داوری در حقوق ایران*، تهران: شهر دانش.
- متین، احمد (۱۳۸۱)، *مجموعه رویه قضائی قسمت حقوقی*، تهران: رهام.

مجموعه نظرات حقوقی اداره کل حقوقی ریاست جمهوری سال ۱۳۶۸ (۱۳۷۵)، تهران: اداره کل قوانین و مقررات کشور.

نیکبخت، حمیدرضا (۱۳۸۸)، *داوری تجاری بین‌المللی «آئین داوری»*، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی.

ب. انگلیسی

- ADC Affiliate Ltd. and ADC & ADMC Mgmt. Ltd. v. **The Republic of Hungary**, ICSID Case No.ARB/03/16, Award, (Oct. 2, 2006).
- American Arbitration Association (AAA), **Commercial Arbitration Rules**.
- Bahmaei, Mohammad Ali (2002), **L'intervention du juge etatique des mesures provisoires et conservatoires en presence d'une convention d'arbitrage**: Droits francies, anglais et Suiss, LGDJ, Paris.
- Bennett, Steven C. (2013), "What To Do When a Party Fails To Pay Its Portion of Arbitration Fees", **The Practical Lawyer**, pp. 57-59.
- Brady v. Williams Cap. Group**, L.P., 64 A.D.3d 127 (N.Y. App. Div. 2009).
- Brown, David (2014), "What Steps Should Arbitrators Take to Limit the Cost of Arbitration?" **Journal of International Arbitration**, Vol. 31, Issue 4, pp. 499-505.
- Buhler, Micha (2004), "Awarding Costs in International Commercial Arbitration: an Overview", **ASA Bulletin**, Vol. 2, pp. 249-261.
- CDC Group plc v. Republic of the Seychelles, ICSID Case No. ARB/02/14, **Decision of the Ad Hoc Committee on the Application for Annulment of the Republic of the Seychelles**, (June 29, 2005).
- Dealer Computer Service, Inc. v. Old Colony Motors, Inc, 558 F.3d 884, 887-88 (5th Cir. 2009).

- DeWitt, Richard and DeWitt, Rick (2010), “No Pay No Play: How to Solve the Non-Paying Party Problem in Arbitration”, **AAA Handbook on Arbitration Practice**, Chapter 28.
- EDF (Services) Ltd. v. Romania, **ICSID Case No. ARB/05/13**, Award, para. 327 (Oct. 8, 2009).
- Eiseman, Neal M. & Farkas, Brian (2015), “Stiffing the Arbitrators: The Problem of Nonpayment in Commercial Arbitration”, **Harvard Negotiation Law Review**, pp. 1-20.
- English Arbitration Act 1996.**
- Europe Cement Investment & Trade S.A. v. Republic of Turkey, **ICSID Case No. RB (AF)/07/2**, Award, (Aug. 13, 2009).
- Flannery, Louis & Garel, Benjamin (2013), “Arbitration costs compared: the sequel, **Global Arbitration Review**,” pp. 1-19.
- Franck, Susan D. (2011), “Rationalizing Costs in Investment Treaty Arbitration”, **Washington University Law Review**, Volume 88, Issue 4, pp. 769-852.
- ICC Techniques for Controlling Time and Costs in Arbitration**, CMS Guide to Arbitration, Vol. II, Appendix 4.3, 2012, pp. 537-562.
- ICSID Arbitration Rule 1984.**
- Juiceme LLC v. Booster Juice LP**, 730 F. Supp. 2 d 1276, 1283 (D. Or.2010).
- Kirtley, William & Wietrzykowski, Koralie (2013), “Should an Arbitral Tribunal Order Security for Costs When an Impecunious Claimant Is Relying upon Third-Party Funding?” **Journal of International Arbitration**, Vol. 30, No. 1.
- Kreindler, Richard H. (2006), “Best Practices in International Arbitration”, **ASA Conference -- Zurich**, pp. 1-19.
- Lifescan, Inc. v. **Premier Diabetic Service, Inc.**, 363 F. 3d 1010, 1012-13 (9th Cir. 2004).
- Marinello, Mitchella L. & Schwartz, Alison T. (2012), “What to Do When a Party Refuses to Pay Its Share of arbitration Coats”, **Dispute Resolution Magazine**, pp. 29-31.

- Phoenix Action, Ltd. v. The Czech Republic, ICSID Case No. ARB/06/5, Award, (Apr. 15, 2009).
- Reed, Lucy, Paulsson, Jan, Blackaby, Nigel (2010), **Guide to ICSID Arbitration**, Kluwer Law International.
- Rosell, José (2011), “Arbitration Costs as Relief and/or Damages”, **Journal of International Arbitration**, Vol. 28, Issue. 2, pp. 115-126.
- Sink v. **Aden Enterprises**, Inc., 352 f.3d 1197, 1199 (9th Cir. 2003).
- Smith, David (2011), “Shifting Sands: Cost-and-Fee Allocation in International Investment Arbitration”, **Virginia Journal of International Law**, Vol. 51, Issue. 3, pp. 749-784.
- Telenor Mobile Communications A.S. v. The Republic of Hungary, ICSID Case No. ARB/04/15, Award, (Sept. 13, 2006).
- The Federal Arbitration Act.**
- UNCITRAL Arbitration Rules** (as revised in 2010).
- UNCITRAL Model Law on International Commercial Arbitration**, 1985.
- Williams v. Tully**, No. C-02-05687, 2005 WL 645943, at 6-7 (N.D. Cal. Mar. 18, 2005).